

پیش‌خوان

به بهانه انتشار «گذری بر زندگانی

علامه آیت‌الله سیدعلی بهبهانی»

مرجع مجاهد

■ **آیت‌الله سیدعلی شفیعی**



کاه‌های لکمه توجهی از وی دیده نمی‌شدد زهد و

نه‌تنها متبحر و آگاه بلکه مجتهد و صاحبنظر بود. او در هر علمی که بحث می‌کرد و با آرای هر صاحبنظر در هر فنی که مواجه می‌شد بر خود محققانه و مواجهه صاحبنظرانه می‌کرد و تدریس‌ها و تألیفات ایشان در رشته‌های یادشده دال بر صدق این دعوی است. استاد معظم در کمال سادگی زندگی می‌کرد. نسبت به ما دیات، تشریفات، امور دنیوی و تکلفات نه‌تنها علاق‌های لکمه توجهی از وی دیده نمی‌شدد زهد و وارستگی ایشان انصافا درس بزرگ و مؤثری در حق فرزندان و شاگردان وی بود،اما در عین حال، آگاهی از نکات و نقاط زندگی و آشنایی به رموز و جهات فردی و اجتماعی راهمیشه حفظ می‌کرد. در جلسات عمومی خود مانند جمعه‌ها و اعیاد که مردم، مسئولان و افسار مختلف به زیارتش می‌رفتند، یک کتلت اخلاقی مانند مجموعه وزام به دست می‌گرفت و از روی آن حدیث و اخلاقی می‌خواند و برای حضار ترجمه می‌کرد و توضیح می‌داد و همه گوش فرامی‌دادند. تنها هنگامی که افراد جدیدی وارد می‌شدند کتاب را به زمین می‌گذاشت و آنان را می‌پذیرفت و احترام می‌کرد و پس از دستوسی آنان مجدداً می‌نشینت و خواندن کتاب را ادامه می‌داد و در این لحظات هم افرادی خداحافظی می‌کردند. بدین‌وسیله سوای آنکه همگان آمخضر و مقام علمی و معنوی ایشان بهره‌مند می‌شدند طبعاً مجلس از سکوت، غیبت، غفلت و بطالت به کلی پاک و منزه می‌شد و محفوظ می‌ماند.

نظر به اینکه اینجانب دربره‌های آن دوران نهضت و مبارزه مردم ایران علیه رژیم سفاک پهلوی را در تحف



■ **آیت‌الله‌العظمی سید علی بهبهانی رامهرمزی**

اشرف بودم و از طرفی استاد عظیم‌القدر نیز سالیانی از آن دوران را در تابستان‌ها به اصفهان مسافرت می‌کردند، لذا بحث گسترده در این باره فعلاً مقدور نیست و ما نیز بنا را بر اختصار و ایجاز می‌گذاریم، اما بیامون چند موضوع می‌توان سخن گفت.

۱- شرکت فعال استاد در جلسه عصرهای جمعه اهواز که از سوی جامعه روحانیت و اصناف این شهرستان هر هفته به دعوت روحانیت و به‌طور بسیار در مساجد تشکیل می‌شد و سیل مردم به این جلسه ـ که فلسفه اصلی آن فریاد بیخندان سلطانیت پهلوی بود و خطبا و وعاظ چه از خود شهرستان اهواز یا از دیگر شهرستان‌ها برای شرکت در این جلسه دعوت می‌شدند و به بیان حقایق و افشاکری علیه ظلم و ستم می‌پرداختند ـ سرارزی می‌شد. حضور عملاً اعلام به‌خصوص آیت‌الله‌عظمی بهبهانی موجب قوت قلب و شجاعت بیشتر اهالی و مبارزان نسبت به شرکت و اظهار حقایق و ابراز خیانت رژیم شاهنشاهی شد و آن فقید سعید پشتوانه محکمی برای تداوم این مجلس و استمرار مبارزه بود.

۲- شرکت معظم‌له در امضای اعلامیه‌های صادره از وی و جامعه روحانیت علیه نظام ستمشاهی.

۳- اقدام مستمر در آزاد کردن روحانیونی که از طرف ساواک و شهربانی شاه دستگیر و بازداشت می‌شدند.

۴- مسافرت تاریخی آن فقید سعید به تهران همدوش با دیگر مراجع معظم تقلید شیعه به‌منظور اعتراض به دستگیری حضرت امام خمینی(ره) و همفکری با دیگر

اعلام و بزرگان برای آزادی حضرت امام خمینی ـ۵- صدور اعلامیه در شهرستان اصفهان علیه همکاری‌های رژیم سلطنت باسرایل. امریکا و بهائیت و محکوم کردن اعمال یادشده. این جریان موجب شد رژیم سفاک در اصفهان آن مرحوم را در مراجعت از نماز ظهر و عصر به ساواک جنهمی خود ببرد وی ادبانه چندین ساعت ایشان را بازداشت کند.

۶- قصد ایشان بر حضور در مسجد جامع اهواز و ایراد سخن برای مردم به منظور اعتراض به دستگاه طاغوت و شخص شاه و تجمع هزاران نفر در اطراف منزل ایشان و خیابان‌های منتهی تا طرف مسجد جامع که دستگاه بیداد با تمام توان خود از برگزاری آن مجلس عظیم جلوگیری و مسجد جامع را محاصره و منقول کرد و آیت‌الله بهبهانی را مجبور به ماندن در منزل کردند و منابع برگزاری و سخنرانی شدند.

۷- سایر حوادث و مسائل دوران مبارزه و نهضت که به‌گونه‌ای مرحوم آیت‌الله بهبهانی در آنها نقش داشت یا حمایت می‌کرد یا به ایشان مستند بود.

یادش گرامی باد

تاریخ

فکتوگو ۹۸۴۹۸۴۹۹



نظر و گذری بر پیامدهای «خیزش مردم یزد» در چهلمین روز قیام مردم تبریز

اربعین برای اربعین

■ **علی احمدی فراهانی**

۲۸ سال پیش در چنین روزهایی، مردم متدین شهرستان یزد به رهبری شهید والا مقام آیت‌الله حاج شیخ محمد صدوقی (فدّه)، چهلمین روز قیام وشهادت مردم تبریز را گرامی داشتند و تجزیه‌های بر اربعین‌های انقلابی سال ۱۵۷افزودند. مقال پیش‌روی به بررسی زمینه‌ها و پیامدهای این رویداد تاریخی پرداخته است، امید آنکه مقبول افتد. ■■■

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های اوچگیری و پیروزی انقلاب اسلامی، بر گزاری «سلسله اربعین‌های سال ۱۳۵۷ در سراسر کشور بود که نهایتاً گسترده‌گی قیام مردم و سقوط رژیم شاه را در پی داشت. اربعین قیام عمومی مردم در ۲۹ پهمن ۱۳۵۶ در تبریز، به تصمیم و همت والای شهید آیت‌الله حاج شیخ محمد صدوقی در این شهر برگزار شد که بازتابی گسترده یافت. شهید آیت‌الله صدوقی طی اطلاعیه‌ای برگزاری این رویداد تاریخی در ۱۰ فروردین ۱۳۵۷ را اعلام کرد. این رویداد به تقابل و درگیری مردم و نیروهای امنیتی انجامید که باعث به‌شهادت رسیدن عده‌ای از مردم شد. اولین واکنش مردم به این رویداد مهم، برگزاری مراسم اربعین این شهیدان در این شهر بود که استاد ساواک برای آن، گستره‌ای فراوان را تصویر کرده است.

■ **برگزاری اربعین شهدای «یزد» در «یزد»**

با نزدیک شدن به روز اربعین شهدای فروردین ماه ۱۳۵۷ در یزد- که سه‌شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه بود- گروه‌های مختلف مردم برای شرکت در این مراسم از اطراف و اکتاف به سوی یزد رهسپار شدند. یکی از استاد ساواک در این‌باره می‌گوید: «برابر آخرین اطلاع اتکون دو گروه حدود ۱۰ و ۲۵ نفر از طلاب و وعاظ قم و سایر شهرستان‌ها برای شرکت در مراسم به اصطلاح چهلم کشته‌شدگان حادثه ۱۰/۱۰/۳۷، به یزد عزیمت کرده و در دو محل اسکان داده شده‌اند که هر دو محل مورد شناسایی این سازمان و شهربانی است. ضمناً اعمال و رفتار مشارالیه‌م نیز تحت کنترل و مراقبت قرار دارد.»^(۱) برنامه‌ریزی برگزاری مراسم اربعین شهدا در مسجد خظیره به‌گونه‌ای بود که به‌رم اعلامیه‌های متعددی که پیرامون آن پخش شده بود، پرویز ثانی در تلگرافی به ساواک یزد نوشت: «برابر اطلاع قرار است بدون آگهی قبلی مجلسی به مناسبت واقع‌ه چهلم یزد در مسجد خظیره تشکیل شود و طبق شایعات از شهرستان‌های مختلف در اهواز و خرابی در تلگرافی احتمالاً کاشان افراد ماجراجو افراطی برای شرکت در این مجلس به یزد عزیمت خواهند کرد. در این زمینه مراقبت‌های لازم معمول و نتیجه را اعلام کنند.»^(۲) و همین مضمون از طرف از تشدید نوردهی که در این موقع ریاست ساواک را به عهده داشت، برای شهربانی کل کشور ارسال شد: «برابر اطلاع از طرف افراطیون

مذهبی، از جمله حاج محمد صدوقی که از علمای شهرستان یزد است، قرار است به مناسبت چهلمین روز وقایع استان یزد در مورخه ۳۷/۲/۱۹ مراسمی در مسجد خضره (حضیره) یزد برگزار شود و عده‌ای نیز از اهالی شهرستان‌های تبریز، اصفهان و قم در مجالس مزبور شرکت کنند و در نظر دارند پس از ختم مجالس به خیابان‌ها رفته و ضمن تظاهرات و شعار دادن ایجاد بی‌نظمی کنند.»^(۳)

یک روز قبل از روز اربعین شهدا آیت‌الله صدوقی بر فراز منبر مسجد خظیره قرار گرفت و در سخنانی که حاکی از شهادت مثال‌زدنی ایشان بود، ضمن اشاره به برگزاری مراسم فرادا و تقاضای تعطیل عمومی و شرکت گسترده در مراسم و گلابه از برخی مخالفت‌ها با برنامه‌های انقلابی در یزد با اشاره به شهادی واقعه یوم فروردین ماه گفت: «یکی از کشته‌شدگان کسی بود که بر اثر ضربه باتوم از پا در آمد و مأموران از اقوام وی خواسته‌اند در موقع تحویل جسد بگویند از پشت‌بام به زمین افتاده است.»^(۴)

■ **صبح روز اربعین در «مسجد خظیره »**

در ساعت ۸صبح روز ۱۹/۲/۳۵۷ مراسم اربعین شهدا با شرکت جمعیت کثیری که آیت‌الله صدوقی تعداد آنان را بیش از ۱۵ هزار نفر اعلام کرد^(۵) در مسجد خظیره آغاز شد. حضور جوانان در این مراسم که سه‌سختان به نام‌های حجت‌الاسلام محمدعلی حافظیه، حجت‌الاسلام شیخ ابوالقاسم مناقب از یزد و حجت‌الاسلام شاهرخی‌زاده به نمایندگی از آیات قم داشت، به میزانی چشمگیر بود که در گزارش ساواک به آن اشاره شده است.^(۶) صلوات پی در پی جمعیت و تعطیلی مغازه‌های خیابان و بازار به غیر از نانوایی‌ها که نشان از همبستگی و اتحاد مردم داشت، از دیگر مواردی بود که در این گزارش‌ها مورد توجه قرار

گرفت.^(۷)حجت‌الاسلام مناقب که سخنران دوم این مراسم بود، ضمن تجلیل از شهدای دهم فروردین با صلابت به سخنرانی پرداخت و گفت: «مجلس بسیار باشکوه و پرجمعیتی است، به کوری چشم کسانی که ما را از عده‌ای معذوب و انگشت‌شمار که از ۱۰ تا ۱۵ نفر تجاوز نمی‌کنیم معرفی می‌کنند! این جمعیت چندین هزار نفره گرد هم آمده‌اند تا از یکسو از کشته‌شدگان یزد تجلیل کنند و از یکسو یاداری خود را به منظور رسیدن به هدف‌های منطقی، شرعی و حکیمانه همبرن دینی استان اعلام نمایند. با اینکه می‌دانم عواملی در کار بود و ممانعت‌هایی شده است با فرد کمتری شرکت کنند... با خطبا و جامعه روحانیت یزد صحبت دارم... آیت‌الله صدوقی (صلوات حاضران) آقایان حجج اسلام ... ما در راه خدا رفتیم... و ده‌ها کشته دادیم. در کلانتری‌ها با بدن‌های لخت کتک‌ها خوردیم، در زندان بر زمین‌های مرطوب در حالی که بدن‌هایمان از فشار و کثرت ضربات خورد و خمیر بود، نشستیم. فعلاً هم پرونده‌ها برایمان ساخته‌اند. دستگاه‌هم آمادگی دارد ما را به زندان بکشد و ما هم با

تبعید و انزوا برای مردان خداست. مبارزه کنید تا به مقصود کامل خود برسید. اگر جانبازی مردان صدر اسلام نبود، حالا از اسلام خیری نبود. مردم

از چیزی ترسید.»^(۸)

■ **حوادثی که بر سرعت انقلاب در یزد افزود**
هنوز یک روز از مراسم اربعین شهدای یزد سپری نشده بود که در ساعات اولیه بامسداد و قیل از روشن شدن هوا آزماشگاه، دبیر خانه و کتابخانه مرکز اسناد و آمار انستیتو تکنولوژی یزد دچار آتش‌سوزی شدو دو تن از دانشجویان به علت اینکه انگشت دست آنان زخمی و پانده‌پیچی شده بود به عنوان مظنونین این حادثه معرفی شدند و شرکت تواینر یزد... در ساعت ۱۷:۲۰ روز جمعه در این‌باره آمده است: «مهندس سربی، کارمند شرکت تواینر یزد... در ساعت ۱۷:۲۰ روز جمعه مورخ ۳۷/۲/۱۲ به دو نفر از مأموران گاردا انتظامی تواینر اظهار می‌دارد، لباس‌های خود را بیرون بیاورید و اسلحه‌هایتان را به دور اندازید، زیرا اگر روز سی‌ام اردیبهشت با لباس و سلاح باشید، شما را می‌کشند، چون دولت در آن روز از بین می‌رود و صاحب (کد ۶۶) به کشور خارج قرار خواهد کرد.»^(۹)

در همین موقع اداره کل سوم ساواک ضمن صدور بخشنامه‌ی نوشت: «از آنجا که تجربه

ماه‌های اخیر نشان داده است عناصر منحرف مترسد احراز موقعیت مناسب برای تحریکات و فعالیت‌های براندازی و ضد ملی هستند و با

درد

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های اوچگیری و پیروزی انقلاب اسلامی، بر گزاری «سلسله اربعین‌های سال ۱۳۵۷ در سراسر کشور بود که نهایتاً گسترده‌گی قیام مردم و سقوط رژیم شاه را در پی داشت. اربعین قیام عمومی مردم در ۲۹ پهمن ۱۳۵۶ در تبریز، به تصمیم و همت والای شهید آیت‌الله حاج شیخ محمد صدوقی در این شهر برگزار شد که باز تابیی گسترده یافت

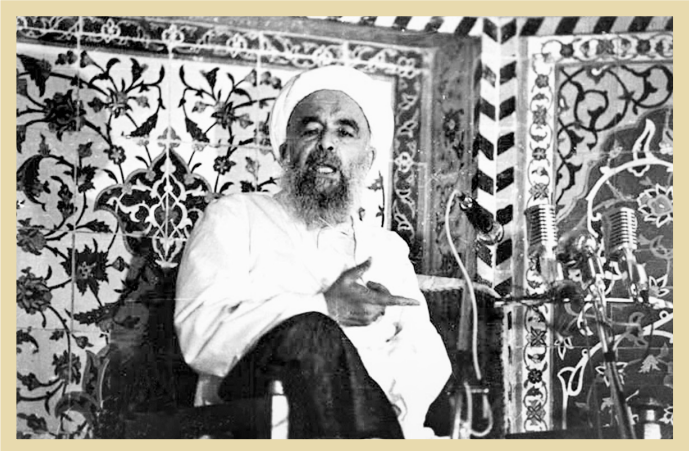
۹ جوان

صدوقی که رهبری جریان انقلاب را در استان به عهده داشت، در دستور کار قرار گرفت: «دستور فرمایید به نامبرده بالا تذکر داده شود، چنانچه دست از رویه خود بردارد و کماکان با صدور اعلامیه و ذکر مطالب خلاف مصالح مملکت بر منبر به رویه گذشته خود ادامه بدهد تصمیمات مقتضی درباره وی اتخاذ خواهد شد.»^(۱۰) این اقدام صورت گرفت و متعاقب آن شهیدصدوقی در سخنرانی مسجد خظیره در این‌باره گفت: «از شهربانی به من تلفن شده است مطلبی را عنوان کنم. چهار حالت دارد یا می‌گیرند یا زندانی می‌کنند یا تبعید یا می‌کشند. اگر بکشند قطر قطره خون من صدوقی‌ها خواهد شد. فعلاً شعاری ندهید و اقدامی نکنید تا ببینیم ما با کتا می‌آیند یا نه.»^(۱۱)

و این در حالی بود که در تمامی مراکز آموزشی استان مانند دانشسرای مقدماتی دختران و دبیرستان گوروش کبیر بافق پخش اعلامیه و شکستن قاب عکس‌های خاندان پهلوی به امری رایج و متداول تبدیل شد^(۱۲) و این مسئله تا جایی پیش رفت که در دبستان ششورک دانش آموزان دبستانی در موقع نیاپش صبحگاهی به‌جای اینکه بگویند «زنده‌باد شاهنشاه آریامهر» «زنده‌باد خمینی» می‌گفتند^(۱۳) و دایره شعارنویسی دیوارهای سازمان امنیت یزد را نیز در بر گرفت.^(۱۴) و دامنه تظاهرات شبانه به دیگر مساجد شهر نیز کشیده شد.^(۱۵)

■ **تعویض بی‌فراجام استاندار یزد**

در جریان مقابله با حرکت‌های انقلابی مردم، دولت جمشید آموزگار تصمیم به تعویض استاندار یزد گرفت و همزمان با مراسم اربعین شهدای یزد دمحمدحسین رهنوردی را که فردی عیاش، خوشگذران و اهل قمار و از اعضای تشکیلات فراماسونی بود، به عنوان استاندار یزد معرفی کرد. اولین حرکت استاندار جدید سرکشی به شهرهای استان بود تا ضمن آگاهی از نابسامانی‌های موجود با انجام تغییرات و قول اقداماتی چون تأسیس شبکه مخابراتی، شبانه‌روزی شدن برق، تجهیز مرکز بهداشت، احداث جاب آب آشامیدنی، تسطیح و مرمت راه، احداث استادیوم ورزشی و... نسبت به آرام کردن مردم تلاش کند.^(۱۶) و پس از آن نیز در روز دهم خردادماه به دیدار آیت‌الله صدوقی رفت. ملاقاتی که در آن شهید صدوقی نه‌تنها به مسائل و مشکلات موجود در یزد و بر خورد نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی اعتراض کرد که با مطرح کردن مسئله انتشار مقاله مجعول رشیدی مطلق و توهین به دین قرآن و علما اساس رژیم شاهنشاهی را زیر سؤال برد.^(۱۷)



■ شهید آیت‌الله صدوقی در حال سخنرانی در مسجد خظیره، یزدبه یزد

زمانی که گزارش این ملاقات و صلابت شهید صدوقی در برخورد با استاندار یزد برای ریاست ساواک ارسال شد، از ساواک یزد خواسته شد تا عملیات ختنی سازی فعالیت‌های ایشان را طراحی کنند، چون این گفت‌وگو مستقیم بود، حتی اداره کل نسیم نیز از محتوای این گفت‌وگو و طرح عملیاتی آن آگاه نشد، زیرا در لید آن نوشت: «گویی تیمسار ریاست ساواک مستقیماً اوامری به رئیس سازمان یزد فرموده‌اند.»^(۱۸)

محمدحسین رهنوردی که از ملاقات با آیت‌الله صدوقی طرفی نبسته بود، دست به قلم شد و داد: «دستور فرمایید هر فردی که نوار سخنرانی خدین و سایر عناصر افراطی ضد رژیم را توزیع کرد، برای تعقیب قانونی وی را به همراه نوارهای ضبط‌شده به پرونده متشکله به این سازمان اعزام کنند.»^(۱۹)

■ **صراحت روزافزون آیت‌الله صدوقی در موضع‌گیری‌ها علیه رژیم شاه**

ازسوی دیگر جبهه انقلابیون هم ضمن پخش نوار سخنرانی‌های امام خمینی (ره) در مسجد خظیره برای مردم^(۲۰)، آیت‌الله صدوقی نیز ضمن سخنرانی‌های مکرر برای مقابله با طوطه‌های گوناگون رژیم پهلوی صراحت کلام خویش را بیشتر کرد: «به من اطلاع داده شده است که چند ماشین سرباز به یزد آمده‌اند تا در فرصت مناسبی به مسجد شما بریزند و شما را بزنند و بکشند و دستگیر تان کنند. اول اینکه خدا کند دروغ باشد، ولی اگر خدا ناکرده راست باشد می‌خواهم با شما تمام حجت کنم، یعنی هر کس طاعت کتک خوردن و در خاک و خون غلتیدن ندارد، از فردا شب دیگر در مجلس ما شرکت نکند و این یک اتمام حجت بود... از هیچ شکنجه‌ای بیم ندارم.

بیایند مرا هم بگیرند، کتک بزنند و شکنجه بدهند. به ما می‌گویند چه می‌خواهید؟ می‌گویم: چرا بی‌خود مردم را جری می‌کنید؟ می‌زنید؟ شکنجه می‌دهید و می‌کشید؟ مردم می‌دانند اینجا چه می‌خوانند. می‌خوانند ما تسلیم ظلم نشومیم. آیا شما تسلیم می‌شوید؟ (حضر جواب منفی می‌دهند.)»^(۲۱)

به همین دلیل بود که برخورد مستقیم با آیت‌الله

■ نظامی آزگی از ارضیما‌های انقلاب در شهر یزد



درد

بهرغم تلاش‌هایی که در پنهان و آشکار

از سوی نیروهای امنیتی ساواک در تهران و یزد صورت گرفت تا به چهره آیت‌الله صدوقی خدشه وارد شود، این ترغند نه تنها نتیجه‌ای نداشت، بلکه محبوبیت ایشان را دو چندان کرد